

## آثار عجله مثبت و منفی

**مجید شهبوسلاری**

عجله و شتاب به معنی انجام یا مطالعه چیزی پیش از رسیدن زمان و وقتش است. صفت عجله، در اصل معنی است و اگر در مواردی مثبت دانسته شده، به سبب زمین‌سازی برای انجام کاری در وقت خودش است؛ زیرا برخی از کارها چنان سریع به وجود می‌آید و به سرعت فرصت از دست می‌رود که مقدمات آن فراهم نیاید، در زمان خودش نمی‌توان آن را انجام داد؛ از جمله این موارد می‌توان به نماز اول وقت،اشاره کرده زیرا اگر کسی بخواهد نماز اول وقت داشته باشد، باید مقدمات آن را فراهم آورد و مثلا وضو گرفته و در سر سجاده آماده نمازگزاری باشد تا بتواند در اول وقت آن را به جا آورد.

عجله در اصل می‌تواند آسیب زا باشد و آثار منفی داشته باشد، اما چنان‌که

گفته شد، در برخی از موارد عجله به معنای پیش گفته مشکلی ندارد.

**سرزنش عجله و عجز**

براساس آموزه‌های وحیانی، در خلقت انسان عنصر «عجله» قرار داده شده و انسان، «عجول» آفریده شده است.انبیاء، آیه ۲۷؛ اسراء، آیه ۱۱) اما با اینکه انسان در خلقت اصلی این صفت را دارد، ولی صفتی است که می‌بایست مهار و مدیریت شود، چنان‌که شهوت و میل به لذت و میل به مهربان و مدیریت‌شود؛ زیرا این صفات هر چند که صفات خلقی انسان است، اما در زندگی دنیوی به آنها نیاز دارد؛ زیرا شهوت قوه جانبداری است که بقای انسان را در کنار قوه دافعه غصب تضمین می‌کند. همچنین عجزل بودن در کنار جهول و ظلم‌ بودن نفس انسان، از اجزای(آیه ۷۲) ازاموری است که نیازهای انسان با آن نامین می‌شود. پس انسان در این دنیا به سبب شرایط زیست دنیوی نیاز به صفاتی دارد که به طور مطلق خوب نیست، اما اگر تحت شرایطی قرار گیرد، مفید و سازنده است. عجله صفتی است که اگر بدون شرایط و مهار و مدیریت، در نفس همچنان باقی بماند، محل سرزنش و توبیخ است و خدا با آنکه از صفت «عجول» بودن به عنوان صفت خلقت یاد می‌کند، با این حال فرمان می‌دهد که «استعجال» نداشته باشید و خواهان عجله در چیزی که زمان آن نرسیده است نباشید.(انبیاء، آیه ۳۷) خدا در قرآن، مجرمان را به سبب آنکه در نزول عذاب و کیفر خودشان استعجال دارند، سرزنش می‌کند و می‌فرماید عذاب در زمان خودش خواهد رسید.(یونس، آیه ۵۰؛ شعراء، آیات ۲۰۰ و ۲۰۴؛ صافات، آیات ۱۷۵ و ۱۷۶) عجله انسان در خواسته‌ها و تمایلات خویش پایانی ندارد و این عجله امری نادرست است؛ زیرا اگر این خصلت و صفت موجب می‌شود شخص همان اندازه که خواهان تحقق خیرات و عجله در آن است تا پیش از زمامش تحقق یابد، همچنین دنبال تحقق شرور مثل عذاب کیفری قبل از زمامش است.(اسراء، آیه ۱۱؛ انبیاء، آیه ۳۷؛ شعراء، آیات ۱۷۵ و ۱۷۶)

**صفایات از عجله مثبتی از نظر قرآن**

نسبت میان دنیا و آخرت، نسبت «عاجله» و «آجله» است؛ زیرا عجل اعمال چیزی است که پیش از وقت و زمامش باشد، اما اجل چیزی است که در وقت و موعودش انجام می‌شود؛ مانند اجل مسمی که زمان مرگ هر انسانی است.

### عجله انسان را از رسیدن به حقیقت، کمال، رفتار صحیح، بهره‌مندی از آخرت و مانند آنها باز می‌دارد و همانند چیدن میوه کال و نارس نه تنها آثار مثبتی به جا نمی‌گذارد بلکه موجب تباهی زحمات و تلاش‌هایی می‌شود که در این امر کشیده شده است.

هر چند امکانات دنیوی، عامله‌ای است که دنیابریستان خواهان آن هستند و حاضرند تا آخرت ابدی را به امکانات اندک و فانی دنیوی ترجیح دهند، ولی خدا در همین عاجله نیز همه چیز را نمی‌دهد و تنها بخش اندکی را می‌دهد. (اسراء، آیه ۱۸) این گونه است که دنیابریستان و گناهکاران از کفر بیشگان برای رسیدن به دنیا و تفریح آخرت همه تلاش خود را می‌کنند و به چیزهایی نیز می‌رسند که می‌تواند مؤمنان را نیز تحریک کند.انسان، آیات ۲۲ و ۲۳)، اما همین اندک دنیا چیزی نیست که انسان خودش را به زحمت افکند،بنابراین، کافران و دنیابریستان در رفتارهای خویش عجزل هستند و با اتخاذ روش‌های نادرست و بدفرجام کاری می‌کنند که حسانت به سیئات تبدیل می‌شود؛ زیرا وقتی کاری پیش از موعد انجام شود، به جای حسنه، تبدیل به سینه می‌شود.(نمل، آیات ۴۵ و ۴۶) تنها کافران و دنیابریستان نیستند که عجله منفی دارند، بلکه برخی از مسلمانان نیز این‌گونه هستند؛ زیرا مسلمانان خواهان تحقق زودرس وعده‌های الهی مانند پیروزی می‌شوند(نحل، آیه ۱) از نظر قرآن، همین عجله مسلمانان در طول تاریخ آثار زاینباری نیز داشته است؛ چنان‌که عجله بههود پیش از بازگشت موسی(ع) از کوه طور و میقات الهی، موجب شد تا به گوساله‌پرستی رو آورند و از دین انسانی دور شوند.(اعراف، آیه ۱۵۰)

در حقیقت آنان به سبب عجله، از مسیر حق دور شدند و پیش از رسیدن امر الهی و ابلاغ آن از سوی حضرت موسی(ع) دچار گمراهی گردیدند و خدا آنان را نسبت به عجله منفی که داشتند توبیخ کرد.(همان) در آیات قرآن مصدقین دیگری از عجله منفی بیان شده که از جمله آنها عجله حضرت داود(ع) در حکم بین صاحبان گوسفندی، (آیات ۱۷ تا ۲۴؛ مجمع البیان، ج ۸ و ۹، ص ۳۲۶) عجله حضرت سلیمان درباره خیر هدهد(نمل، آیات ۲۰ تا ۲۳)، عجله کافران از سر استهزاء نسبت به پورایی قیامت(شوری، آیه ۱۸؛ قیامت، آیات ۱۲ و ۱۴)، عجله گناهکاران و مجرمان که خواستار تسریع نزول عذاب بودند (یونس، آیه ۵۰)، عجله یونس(ع) پیش از آن‌هی(صافات، آیات ۱۲۳ تا ۱۲۴) عجله پیش از زمان بیان از سوی موسی(کهف، آیات ۶۵ تا ۸۲) و مانند آنها است..

**چستی عجله مثبت**

عجله هر چند در ذات خود، مطالعه چیزی قبل از زمامش است و از این جهت منفی است؛ زیرا برای هر چیزی از نظر قرآن «مقدمه‌ای است که از آن پیش یا پس نمی‌افتد، اما گاه این تعجیل و استعجال برای آن است که حقیقتی زودتر در اختیار مردم گذاشته‌شود و شدت علاقه به امری موجب می‌شود که انسان بخواسته‌ست استعجال داشته باشد، چنان‌که حضرت موسی(ع) در دیدار و میقات خدا استعجال داشت(طه، آیه ۱) تا این‌گونه رضایت الهی را به دست آورد. (طه، آیات ۸۲ و ۸۴) عجله پیامبر(ص) برای بیان حقایق قرآنی و تلاوت پیش از موعد(طه، آیه ۱۱۴) نیز هر چند که به قصد ایجاد بیستر پذیرشی و آمادگی مسلمانان است، اما عجله منافی است که باید از آن پرهیز کرد؛ چنان‌که عجله ایشان برای عذاب کافران نیز امری است که خدا از آن نپهی کرده است.(مریم، آیات ۸۲ و ۸۴، احقاف، آیه ۳۵)

### عجله در کارهای خیر و سبقت جوئی در آن از مواردی است که قرآن بر آن تاکید دارد و جزو عجله مثبت شمرده می‌شود.

عجله مثبت برای رضای الهی انجام می‌شود، به سخن دیگر، گاه عجله از سوی افراد انسانی برای آن است که رضایت الهی به دست آید (طه، آیات ۸۲ و ۸۴) چنان‌که عجله حضرت موسی(ع) برای میقات خدا(همان) یا عجله پیامبر(ص) در تلاوت آیات قرآن(طه، آیه ۱۱۴) از مصداق همین عجله است، اما هر چند که هدف مقبولی در میان است، اما از نظر قرآن همین عجله که برای رضای خدا انجام می‌شود، آثار منفی به دنبال دارد و باید از آن اجتناب کرد. همچنین عجله در کارهای خیر و سبقت جوئی در آن از مواردی است که قرآن بر آن تاکید دارد و جزو عجله مثبت شمرده می‌شود؛ اولاً یک پیمان‌خونِ فی الخیراتِ وَهَمْ لَهَا شَاقِرُونَ؛ (بندگان خوب خدا) در کارهای خیر شتاب می‌کنند و از دیگران پیشی می‌گیرند(مؤمنون، آیه ۶۱)

**آثار عجله از نظر قرآن**

آثاری برای عجله منفی استست که باید به سبب همین آثار از عجله اجتناب کرد. از جمله این آثار می‌توان به استفاده از ابزارها و وسایل پابند و زشت (اسراء، آیه ۱۱)، خطا و اشتباه در شناخت و زیان واقعی(همان)، دنیا طلبی و غفلت از آخرت(اسراء، آیه ۱۸) اشاره کرد.

در حقیقت عجله انسان را از رسیدن به حقیقت، کمال، رفتار صحیح، بهره‌مندی از آخرت و مانند آنها باز می‌دارد و همانند چیدن میوه کال و نارس، سبب تنها آثار مثبتی به جا نمی‌گذارد بلکه موجب تباهی زحمات و تلاش‌هایی می‌شود که در این امر کشیده شده است؛ از نظر قرآن کسانی گرفتار عجله می‌شوند که احاطه علمی به امری ندارند (کهف، آیه ۶۸) و دچار جهل عقلی و جهل عملی هستند. (انبیاء، آیات ۲۸ و ۲۹)

برخی از پیامبران(ع) و انسان‌های والا اسوه‌های نیک برای مؤمنان از مرد و زن هستند: از جمله این افراد اسوه می‌توان به لقمان حکیم، مریم(ص)، آسیه(س) و مانند آنها اشاره کرد.

بنابراین، شناخت این اسوه‌ها امری ضروری و بایسته است؛ زیرا بدون شناخت آنها نمی‌توان از ایشان بهره برد. از همین رو در روایات از مؤمنان خواسته شده تا زیارت مصومان(ع) را با معرفت انجام دهند؛ زیرا کسی که مقام وشسان ایشان را بشناسد، از ایشان سرمشق می‌گیرد و تلاش می‌کند تا فلسفه و سببیک زندگی خویش را بر اساس زندگی ایشان تنظیم کند تا به همان مقاماتی برسد که ایشان رسیده‌اند.

یکی از انسان‌های برتر که شایسته است سرمشق شریف‌تر قرار گیرد حضرت مریم(ص) است که در قرآن بارها از ایشان به نیکی یاد شده است.(تحریم، آیه ۱۲)

**در مطلب حاضر درباره جایگاه و شخصیت والای حضرت مریم در قرآن و فضائل اخلاقی ایشان سخن گفته شده است.**

### بر اساس گزارش‌های قرآنی حضرت مریم(ص) از نظر حسب و نسب چنان بود که هر کسی دوست داشت که سرپرستی و کفالت ایشان را به عهده گیرد تا جایی که برای کفالت ایشان پس از مرگ پدر، نزاع و درگیری شد و با قرعه، کفیل و سرپرست انتخاب شد زیرا او فرزند «عمران» از پیامبران الهی بود.

**فضایل اخلاقی مریم(ص)**

بر اساس گزارش‌های قرآنی، حضرت مریم(ص) انسانی دیندار و مؤمن به خدا و کتب آسمانی و کلمات وجودی الهی(تحریم، آیات ۱۱ و ۱۲)، مخلص(مریم، آیه ۲۶)، مودب به ادب لطیف بود، ویژه در ساحت بیان مسائل جنسی(آل عمران، آیه ۳۷؛ مریم، آیات ۱۶ و ۲۰)، خاشع و خاضع در برابر آیات رحمانی(مریم، آیات ۱۶ و ۵۸)، راستگو و صادق و صدیق(مائدۀ، آیه ۷۵؛ تحریم، آیه ۱۲)، عابد (آل عمران، آیه ۴۳)، اهل قنوت، رکوع، سجود و نماز در برابر پروردگار(همان)، اهل طهارت و پاک‌ی(همان)، اهل عصمت از شیطان و واغوازی است (آل عمران- آیات ۳۶ و ۳۷)، اهل عصمت از فحشاء(آل عمران، آیه ۴۲)، اهل عفت و پاکدامنی(انبیاء، آیه ۹۱؛ تحریم، آیات ۱۲، اگر الهی(مریم، آیات ۱۶ و ۵۸)، اهل تلاوت تورات و کتب آسمانی(همان)، اهل عفت و مهربانی (مریم، آیه ۲۷)، اهل دعوت به تقوای الهی(مریم، آیات ۱۷ و ۱۸)، اهل استعاذه(همان)، اهل حیا و آبرومندی(همان) و مانند آنها است. همین فضائل و مکارم اخلاسی متعالی در مریم(ص) موجب می‌شود تا خدا او را برگزیده و به عنوان انسانی شاخص به شریعت معرفی کند (آل عمران- آیه ۳۳، آیات ۱۶ و ۵۸) و بر زبان جهان برتری ببرد(مخداال عمران، آیه ۴۲) مقبول پروردگارش شود(آل عمران، آیه ۳۷) و اسوه مؤمنان از زن و مرد گردد.(تحریم، آیات ۱۱ و ۱۲) کسانی که در صراط مستقیم الهی قرار دارند، انسان‌هایی هستند که خدا به آنان «نعمت خاص»

**شسبیه: معنای صحیح قناعت چیست؟ اگر قناعت داشته باشیم یا اینکه توان تولید ثروت یا به دست آوردن آن را داشته باشیم یک جور ضایع شدن استعدادهای خدادادی نیست؟ چه اشکالی دارد ثروت به دست بیاریم که هم خودمان در راحتی باشیم و هم به دیگران کمک کنیم؛ آیا قناعت مانع پیشرفت و نوآوری و تولید ثروت نیست؟**

پاسخ: در معارف اسلامی کلمات و مفاهیمی وجود دارند که تفاوت آنها با یکدیگر گاهی اوقات در نگاه ابتدایی سخت است، ولی با دقت نظر و تفکر باید آثار از هم بازشناسی کرد. گاهی برخی مفاهیم متضاد هستند و نمی‌توانیم فرقیشان را متوجه شویم و گاهی دو مفهوم شبیه به هم است و فرقیشان نمی‌دانیم مثل قناعت و حرص که مقابل هم هستند و قناعت و قناعت و بخش که شبیه هم می‌نماید و گاهی در یک واژه اخلاقی خوب یا زشت چون تعریفش را کامل نمی‌دانیم نمی‌توانیم مصدقین آن را خوب شناسایی کنیم. یکی از این واژه‌ها که باید خوب بازشناسی شود و مفهومی‌ش از دیگر واژگان بارزناخته‌شود مفهوم قناعت است که در مورد آن نکاتی مطرح می‌کنیم تا کامل برای شما معلوم شود.

**چستی قناعت**

۱. قناعت در لغت به معنای بسنده کردن به مقدار کم، از کالای مورد نیاز<sup>(۱)</sup>، یا به معنای اکتفا کردن به اندک از آنچه مورد نیاز انسان است<sup>(۲)</sup> قناعت در اصطلاح عالمان اخلاق، حالتی است برای نفس که باعث اکتفا کردن آدمی به قدر حاجت و ضرورت است.<sup>(۳)</sup> در احادیث گاهی کلمه قناعت به معنای مطلق رضایت بر کار رفته است. امام علی(ع) در نامه‌ای به عثمان بن حنیف می‌فرماید: «یا

**بسیاری از کارهای نیک و خیر جز از راه تولید ثروت و بخش آن بین نیازمندان میسر نیست، جمع‌آوری ثروت، به شرط اینکه از راه حلال و همراه با ادای واجبات باشد و به ذخیر‌سازی و رو کود پول و فساد و تبعیض و... نکشد هیچ اشکالی ندارد. از این رو، قرآن، کار آفرینان متعددی، مانند حضرت سلیمان، داود و ذوالقرنین را مثال می‌زند که با بجزر زیاد، ثروت فراوان اندوختند؛ اما علاقه به مال را در خود تعدیل و جامعه را به فعالیت ترغیب کردند و آدمیان را از بطالت و بیکاری رها ساختند.**

### معارف

MaarefKayhan@Kayhan.ir

# مریم(ص)، سرمشق زنان و مردان در پاکدامنی

**فرشته محیطی**

شده؛ زیرا او فرزند «عمران» از پیامبران الهی بود. (تحریم، آیه ۱۲؛ آل عمران، آیات ۳۵ و ۴۴) آن حضرت تحت عنایت خاص الهی همچون گیاهی نیک چنان رشد کرد که به شخصیتی محبوب و آبرومند و با اعتبار در میان مردم تبدیل شد به طوری که کمترین تعرض به شخصیت پاک

ایشان، برای او هر چیزی بدتر بود و مرگ را بهتر از بی‌آبرویی می‌دانست.(مریم، آیات ۱۸ و ۲۲) تا توجه به این فضائل اخلاقی الهی است که



و پاک و محکم و استوار و برهانی سخن بگوید، بهتر آن است که کم گو و گزیده گو باشد و از پرگویی و تطویل پرهیز کند. از همین رو حضرت مریم(ص) بیشتر وقت خویش را به عبادت و نماز می‌پرداخت و کم سخن می‌گفت تا جایی که روزه سکوت می‌گرفت تا سخن کمتر گوید.البته در شریعت خاتم‌الانبیاء یعنی اسلام روزه سکوت نیست، اما در شریعت‌های پیشین چنین سنتی بود و حضرت مریم(ص) بر اساس آن شرايط خود چنین عمل می‌کرد. این امر به ویژه در شرایط سخت انتهایی برای ترک مجاهده ضروری و بایسته و شایسته بود.(مریم، آیات ۲۶ و ۲۹؛ الکشاف، ج ۳، ص ۱۴) همچنین باید توجه داشت که حضرت مریم(ص) به دستور فرمان مستقیم خدازوره سکوت گرفت تا از پاسبانگویی و مجاهده در امان بماند و دیگری متکفل پاسبانگویی و تیره‌نهی ایشان از اتهامات باشد.(مریم، آیات ۲۶ تا ۲۹)

در حقیقت با آنکه حضرت مریم(ص) مشهور به پاکدامنی و عفت و طهارت و صمت و مانند آنها بود، اما ایشان را متمم به آلودگی جنسی کردند. اتهام از سوی یهودیان علیه ایشان بود که بهتان و افتزایی بس بزرگ بود و خدا آنان را به سبب این بهتان عظیم و فکرتشان مستحق سرزنش و عذاب گرداند.(همان) (مریم، آسء، آیه ۱۵۶)

بر اساس گزارش‌های قرآنی، حضرت مریم(ص) از نظر حسب و نسب چنان بود که هر کسی دوست داشت که سرپرستی و کفالت ایشان را به عهده گیرد تا جایی که برای کفالت ایشان پس از مرگ پدر، نزاع و درگیری شد و با قرعه، کفیل و سرپرست انتخاب

انسان‌هایی قرار داد که در شرایط بشری می‌بایست به فضائل الهی و اخلاقی دست یابند. در حقیقت این همسانی در بشریت است که قابلیت اسوه حسنه بودن را به آنان داده تا سرمشق بشرهای دیگر قرار گیرند.(همان)

پروورش حضرت مریم(ص) هر چند تحت تکفل پیامبری چون زکریا(ع) بود، اما این به عنایت الهی و قرعه بوده تا پرورش او کامل و تمام باشد. (آل عمران، آیات ۲۶ و ۳۷ و ۴۲ و ۴۳) در این زمینه نیز توان از نقش سرپرست و کفیل مناسب

فخرفروشی، اسراف، تبذیر، ریخت و پاش، حرص و ولع، وابستگی به دنیا و پول و دوری از واجبات و معنویت، نزدیکی به مفاسد و سلطه‌گری و استعمار و ظلم، همه از نتایج ثروتمند شدن است و اگر رابطه با خدا و اهل‌بیت (علیهم‌السلام) و دقت و مراقبت نداشته باشیم می‌توانیم به تدریج گرفتار این آفات هم بشویم.

فردی مطرح است و مربوط به استفاده بهینه و درست از امکانات زندگی و اجتناب از زیاده روی در هزینه‌ها و مصارف و رضایت به نعمت‌های الهی است، اگر چه اندک باشد و منافاتی با خدمت به جامعه با خلق و تولید ثروت به هدف آدای جامعه ندارد. انسان می‌تواند تولید ثروت کند و متمول باشد ولی به مقدار نیاز اکتفا کند و ریخت و پاش نکند و بیش از نیاز در زندگی شخصی‌اش هزینه نکند. امروزه در دنیا نمونه‌های زیادی می‌بینیم از کارآفرینی که که «از ما نیست کسی که دنیاپیش را به خاطر آخرتش ترک کند و یا آخرتش را به خاطر دنیاپیش ترک کند.»<sup>(۱)</sup>

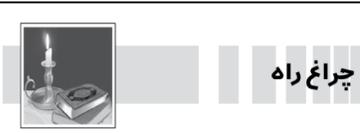
تولید ثروت و پول از راه‌حلال و به هدف خدمت به جامعه و کارآفرینی بسیار ارزشمند و مورد تأیید قرآن است. پسایری از کارهای نیک و خیر جز از راه تولید ثروت و بخش آن بین نیازمندان میسر نیست. جمع‌آوری ثروت، به شرط اینکه از راه‌حلال و همراه با ادای واجبات باشد و به ذخیره‌سازی و رکود پول و فساد و تبعیض و... نکشد هیچ اشکالی ندارد. از این‌رو، قرآن، کارآفرینان متعددی، مانند حضرت سلیمان، داود و ذوالقرنین را مثال می‌زند که با تبجر زیاد، ثروت فراوان اندوختند؛ اما علاقه به مال را در خود تعدیل و جامعه را به فعالیت ترغیب کردند و آدمیان را از بطالت و بیکاری رها ساختند.<sup>(۲)</sup>

مقابل آن است و مربوط به اخلاق اجتماعی است، آنگاه که انسان باید به یاری دیگران بشتابد و از امکانات مالی و اعتباری خویش در جهت دستگیری و یاری افراد نیازمند استفاده نماید، بخل بزرز و هزینه نکند.
۲. از منظر اسلام کسب درآمد حلال مورد تأیید قرار گرفته است. تولید ثروت برای خدمت به مردم و جامعه و نیازمندان از نظر اسلام کار بسیار با ارزشی است. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «به سوی قوم نمود برادر (قبیله‌ای) آنها صالح را (فرستادیم) گفت: ای قوم من، خدای یکتا را بپرستید که شما را جز او خدایی نیست،

صفحه ۶

شششنبه ۴ دی ۱۴۰۳

۲۲ جمادی‌الثانی ۱۴۴۴ – شماره ۳۳۷۵۴



### چراغ راه

### شاخص‌های اداره منزل

**قال الامام الصادق(ع): انّ المرء یتحاج فی منزله و عیاله الی ثلاث خصال یتکلفها و ان لم یکن فی طبعه ذلک: معاشره جمیله، وسعۀ بتقدیر، و غیره بتخصّص.**

امام صادق(ع) فرمود: مرد در (داره) خانه و خانواده‌اش، به سه خصلت نیاز دارد که باید آنها را به کار برد، اگرچه این ویژگی‌ها در طبیعت (درون) او نباشد: ۱- خوش‌فرقاری ۲- گشاده‌دستی سنجیده ۳- و غیرت برای ناموس‌داری.<sup>(۱)</sup>

۱- تحف‌المقول، ص ۳۲۲

### حکایت خوبان

**ایمان کامل‌تر در گرو اخلاق نیکوتر**
از پیامبر اکرم(ص) سؤال شد: کدام مومن ایمانش کامل‌تر است؟ حضرت فرمود: آن کسی که با خانواده‌اش، خوش‌اخلاق تر باشد.<sup>(۱)</sup>امام سجاده(ع) فرمود: چهار خصلت است که در هر کس وجود داشته باشد، ایمانش کامل است، گناهانش از او پاک می‌شود، و پروردگارش را در حالی دیدار می‌کند که از او راضی است: ۱- کسی که به تعهدات خود در برابر مردم وفا کند ۲- زبانش با مردم راست باشد ۳- در حضور خدا و مردم از هر زشتی و قبیحی شرم کند ۴- و با خانواده‌اش اخلاقی خوش داشته باشد.<sup>(۲)</sup>

۱- تنبیه الغافلین، ص ۵۱۶، ح ۸۱۶
۲- العصال، شیخ صدوق، ص ۲۲۲، ح ۵۰

### پرسش و پاسخ

### شاخص‌های خانواده موفق(۱)

پرشن:

**از منظر آموزه‌های وحیانی اسلام، یک خانواده موفق و مطلوب چه ویژگی‌ها و شاخص‌هایی دارد؟ پاسخ:**

**جایگاه و اهمیت خانواده**

خانواده از نگاه جامعه‌شناسان نخستین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی در جامعه دانسته می‌شود، به همین دلیل چگونگی ارتباطات و روابط اعضای خانواده با یکدیگر در حقیقت پایه‌های شخصیتی و الگوهای رفتاری انسان را شکل می‌دهد. تفکراتی خانواده از منظر آموزه‌های وحیانی از جایگاه و اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. خانواده هر چند از نظر جمعیت یک جامعه بسیار کوچک دانسته می‌شود اما اسلام به منظور سالم‌سازی جوامع بزرگ‌تر، یک انسانیت‌انسانی اهتمام ویژه‌ای به سلامت نهاد خانواده دارد. آری خانواده مهم‌ترین جایی است که در آن بورهاها و اعتقادات دینی، ارزش‌های اخلاقی و هنجارهای اجتماعی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. از طریق خانواده است که نسل بعدی با دنیا بیرونی آشنا می‌شود و چگونگی معاشرت و روابط اجتماعی با دیگران را می‌آموزد و راه و رسم زندگی و اخلاق و آداب و رسوم اجتماعی را فرا می‌گیرد.

**تشکیل خانواده، بهترین بنا**

آموزه‌های وحیانی اسلام برای حفظ قداست و جایگاه رفیع ارزش خانواده، به قدری ارزش قائل است که آن را بهترین بنا در اسلام توصیف فرموده است. پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «هل بنی فی‌الاسلام بناء احب الی الله عز وجل و اعز من التزویج» هیچ بنایی در اسلام محبوب‌تر و عزیزتر از تشکیل خانواده نزد خدای متعال نیست.(بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۲۲۲) پاک‌سازی محیط خانواده و جامعه از آلودگی‌ها، تشویق به ازدواج و تشکیل خانواده، تبیین روابط سالم و سازنده میان همسران و دیگر اعضای خانواده و تاکید ویژه بر تربیت فرزندان از جمله برنامه‌های است که اسلام برای حفاظت از کانون مقدس خانواده مورد توجه قرار داده است.

**بهریزی بنیان‌های هویت و شخصیت فرزندان**

خانواده نقش کلیدی در شکل‌گیری هویت و شخصیت افراد دارد. پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «ما من مولود یولد الا علی الفطرة، فابواه اللذنان یهودانه و نصرانه و مجسانه» همه فرزندان با فطرتی پاک و الهسی به دنیا می‌آیند، اما این والدین هستند که آنها را یهودی، مسیحی یا مجوس تربیت می‌کنند.(ان لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۹) خانواده هم می‌تواند بستر و موجبات تحریف و شقاوت فرزندان را رقم بزند و هم زمینه‌های هدایت و سعادت آنها را فراهم سازد. حال برای رسیدن به یک خانواده ایده‌آل و موفق، مهم‌ترین ویژگی‌ها و شاخص‌های مورد نظر را ذیلا مطرح می‌کنیم.

**اهم شاخص‌های خانواده موفق**

۱- **اخلاق حسنه**

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های رفتار اجتماعی یک فرد مسلمان، برخورداری از اخلاق حسنه است که پیامبر اکرم(ص)، فلسفه بعثت خود را فقط به اتمام رساندن مکارم اخلاق مردم می‌داند، انما بعثت لا تمم مکارم الاخلاق» (بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۱۶۰) بنابراین اخلاق حسنه نشانه کمالات فردی و اجتماعی یک فرد مسلمان است که رمز موفقیت و سربلندی و سعادت‌مندی او در جمیع ابعاد زندگی است. امام باقر(ع) فرموداری از بالاترین اخلاق حسنه را شاخص کامل‌ترین ایمان افراد مومن دانسته و می‌فرماید: «اكمل المومنین ایماناً احسنهم خلقاً» (الکافی، ج ۲، ص ۹۹) و در حدیثی دیگر آن حضرت اخلاق خوب را در کنار خوبی نمودن، سبب آبادانی و طول عمر انسان‌ها معرفی می‌فرماید: «البر و حسن الاخلق، بمرعان الدیاری و زیادتی فی‌الاعمار»(همان) و بالاخره آن حضرت نسخه شفایبخش حل مشکلات و خطاها و انحرافات انسان‌ها را تعامل سازنده و اخلاق حسنه دانسته و می‌فرماید: «ان الخلق الحسن صیبت الخیطه»(همان، ص ۱۰۰)

۲- **احساس رضایت‌مندی**

رضایت را در لغت موافقت میل انسان با آنچه بر او جاری می‌شود و آنچه او با آن مواجه می‌شود می‌دانند.(التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، ج ۴، ص ۱۵۲) بنابراین رضایت احساس خوشایندی را حادته یا صمیمیت یا سراسرطنی است که انسان در آن قرار دارد. در بعد اجتماعی ما نباید اجازه دهیم جامعه به ما ناملایماتی را تحمیل کند که موجب ناراضی‌ما ما گردد. ما می‌توانیم با عوامل ناراضی‌ت مقابله کنیم، مانند: حسادت، حرص و طمع، تکبر و غرور، نفاق، ریا و خودشیفتگی و... و با غلبه بر آنها با عدالت،رحمت،احسان، صداقت و در یک کلام اخلاق حسنه آن رضایت‌مندی در زندگی را به وجود آوریم. سنت الهی در اینجا این است که اگر کسی ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد،خداوند محبت او را در دل‌های دیگران قرار می‌دهد که موجب رضایت‌مندی خود و دیگران می‌شود.ان‌الدین امنو و عملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن ودا»(مریم-۹۶)

۱. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، کنفبروشی، مترضی، تهران، ۱۳۷۵، ص ۴، ج ۲. ۲. کاتب‌حسین بن محمد، مفردات راغب، انتشارات دفتر نشر کتاب، جلد دوم، ۱۴۰۴، ص ۶۱. ۳. شیخ صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۱۵۶. ۴. سبأ، آیات ۱۱۲-۱۱۳، کهف، آیات ۹۵ و ۹۸، سبأ آیات ۱۰-۱۱. ۵. همان آیات، یونس، آیه ۷۸، کهف، آیات ۱۲-۱۳، مدثر، آیه ۱۲، سجد، آیات ۲-۱.

**منابع برای مطالعه بیشتر:**

- قناعت از منظر اسلام، سلمان روزاری نسب.
- قناعت، غلامرضا حاتمى.
- کارآفرینی و تجارت به شیوه آیات و روایات، عبدالحسین حاجی‌زاده مهدی حسین‌زاده نائی.

۱- یادداشت‌های شهید مطهری(ره)، ج ۵، ص ۲۰۱